

# تاریخ ایل قشقایی

خاطرات

میرزا نصرالله خان قهرمانی،  
معین دفتر

به کوشش کاوه بیات






# تاریخ ایل قشقایی

خاطرات میرزا نصرالله خان قهرمانی، معین دفتر

به کوشش کاوه بیات

سرشناسه: قهرمانی، میرزا نصرالله، ۱۲۵۴-۱۳۳۳  
 عنوان و نام پدیدآور: تاریخ ایل قشقایی: خاطرات میرزا نصرالله خان قهرمانی، معین دفتر/  
 به کوشش کاوه بیات  
 مشخصات نشر: تهران: نامک، ۱۳۹۹.  
 مشخصات ظاهری: ۷۶۸ ص.  
 شابک: 978-964-689532-4  
 عنوان دیگر: خاطرات میرزا نصرالله خان قهرمانی، معین دفتر.  
 موضوع: قهرمانی، میرزا نصرالله، ۱۲۵۴-۱۳۳۳ -- خاطرات.  
 موضوع: قشقایی -- ایران -- تاریخ  
 موضوع: Qashga'i (Turkic people)--Iran--History  
 موضوع: ایلات و عشایر -- ایران -- فارس  
 موضوع: Nomads--Iran--Fars  
 شناسه افزوده: بیات، کاوه، ۱۳۳۳- گردآورنده  
 رده بندی کنگره: CT ۱۸۸۸  
 رده بندی دیویی: ۹۲۰/۰۵۵۱  
 شماره کتابشناسی ملی: ۷۳۵۳۶۷۴

 [naamak.publication@gmail.com](mailto:naamak.publication@gmail.com)  
 [naamak\\_publication](https://www.instagram.com/naamak_publication)  
 [@naamakpublication](https://twitter.com/naamakpublication)

  
 تلفن: ۶۶۴۱۷۶۳۶

## تاریخ ایل قشقایی

### خاطرات میرزا نصرالله خان قهرمانی، معین دفتر

#### به کوشش: کاوه بیات

ویرایش تصاویر: مصطفی زکریا؛ طرح جلد: علی بخشی

شمارگان: ۱۳۲۰ نسخه؛ نوبت چاپ: اول ۱۳۹۹

چاپ: منصور؛ صحافی: کیا

قیمت: ۱۵۰۰۰۰ تومان

ISBN: 978-964-689532-4

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۶۸۹۵۳۲-۴

تمامی حقوق این اثر محفوظ است

تکثیر یا تولید مجدد آن کلاً و جزئاً، به هر صورت (چاپ، فتوکپی، انتشار الکترونیکی و صوتی)

بدون اجازه کتبی ناشر ممنوع است و پیگرد قانونی دارد

بخش: ۰۹۱۹۵۵۳۸۱۲۱ (نادر نامداری قره قانی) و پارسه ۶۶۴۷۷۴۰۵ داخلی ۱



تصویر معین دفتر

مجموعهٔ خاطرات و اسناد ملک منصورخان صولت قشقایی - ۲

# تاریخ ایل قشقایی

خاطرات میرزا نصرالله خان قهرمانی، معین دفتر

## فهرست

پیش‌گفتار..... ۹

مقدمه..... ۱۳

### دفتر اول

حالات خوانین قشقای ..... ۱۹

جان‌خان، محمد علی خان ایلخانی، جهانگیرخان ایل‌بیگی، محمدحسن خان، عزیزالله خان، لطفعلی خان سرتیپ، نصرالله خان ایلخانی، ابراهیم خان اسعدالسلطنه، محمدحسین خان قشقای، مرتضی قلی خان ایل‌بیگی، علی قلی خان ایل‌بیگی، حیدرقلی خان، قبادخان، مصطفی قلی خان لشکرآرا، داراب خان ایل‌بیگی، عبدالله خان ضرغام‌الدوله، اسماعیل خان صولت‌الدوله، محمدناصرخان، ملک منصورخان، محمدحسین خان، خسروخان، امیرعطاخان صولت‌السلطنه، احمدخان سردار احتشام، علی خان سالار حشمت، محمد قلی خان، سلطان محمدخان، تواریخ خوانین عظام

دوران ریاست عبدالله خان ضرغام‌الدوله ..... ۱۱۱

ایل‌بیگی‌گری ضرغام‌الدوله، اواخر ریاست سلطان محمدخان، حکومت اجلال الملک تبریزی، کشته شدن فراش فرمانفرما، جنگ قره‌یال، در تعقیب ایل کشکولی، سرقت مهر ضرغام‌الدوله، حبس ضرغام‌الدوله، شکایت از غارت و خسارت، عزل نظام‌الملک، پیشامد کامفیروز، عصبانیت مشهدی خانعلی، ضرغام‌الدوله در اصفهان، مراجعت از اصفهان، سفر تهران، مراجعت از تهران، امامزاده جعلی، فوت بهادرخان، ضرغام‌الدوله، در رکاب شعاع‌السلطنه، شکار صحرای قراباغ، از شیراز برای گرمسیر، ایالت شعاع‌السلطنه، حکومت بهبهان سردار عشایر، ایالت آصف‌الدوله، ایالت علاء‌الدوله، ملاقات لرد کرزن، ایالت شعاع‌السلطنه، فوت ضرغام‌الدوله، در ابتدای مشروطه فارس

اسمعیل خان سردار عشایر ..... ۲۴۳

حرکت سردار عشایر، جنگ طهمار، ایالت حسینقلی خان نظام السلطنه، اوایل مشروطه، ایالت سهام الدوله، فریب غریب خان، مخالفت بختیاری‌ها، ایالت رضاقلی خان نظام السلطنه، جنگ نظام السلطنه و قوام الملک، مهمانی عباسقلی بیگ، اتحاد سردار عشایر و قوام الملک، واسموس، جنگ گدار گچن، جنگ با ژاندارمری، شکست سردار احتشام، زخمی شدن اسمارت، مقدمه طغیان ژاندارمری، در تعقیب دره شوری، انقلاب یاور علیقلی خان، گرفتاری مذهب الدوله، گرفتاری فرزندان عبدالله بیگ، ورود نصرالله و فامیل قوام الملک، مراجعت قوام الملک، کشته شدن یاور علیقلی خان، استقبال از فرمانفرما، ایالت فرمانفرما، تقلب حاج مجتهد حکمت، مهمانی سردار عشایر، در مقدمه جنگ قشقایی با انگلیس، مخالفت آقایان، جنگ کره‌داشی، جنگ فیروزآباد، جنگ بیشه زرد، ورود سردار احتشام، سردار احتشام در فیروزآباد، حمله سردار عشایر، محاصره فیروزآباد، ورود اردوی انگلیس، عواید فیروزآباد، جنگ دره شوری‌ها، موضوع ارفع الدوله، ماجرای باغ دلگشا، سفر علی خان سالار حشمت، اطلاع از کودتای سوم اسفند، سفر میرزا نصرالله خان، موضوع شدن فلارد، گرفتاری روساء جمی، مهمانی احمدشاه، سفر سردار عشایر به تهران، حکومت یاور محمودخان پروین، حکومت یاور رخشا، اوضاع ۱۳۰۸-۱۳۰۶، ورود حبیب‌الله خان شیبانی، جنگ تامرادی، ایلخانی‌گری ملک منصورخان، حکومت سرهنگ سید شاکر، دوره حکومت نظامی

برادران قشقایی ..... ۴۱۷

وقایع سال ۱۳۲۰، ورود محمدناصرخان، جنگ کامفیروز، سفر خسروخان به ماهور مهلاطون، جنگ موک و کله‌ای، حرکت خسروخان برای سرحد، جنگ سمیرم، معاهده کهرویه، بعد از معاهده کهرویه، معاهده نخودان، موضوع برقراری کوپن، یادداشت‌های تفریحی

دفتر دوم

ایلات و طوایف قشقایی ..... ۴۵۹

دره شوری، کشکولی، قراچه‌ای، ارباب قلم و انشاء، اولاد ابوطالب آقا، شش بلوکی، صفی‌خانی، ددکه‌ای، فارسیمدان، ایگدر، گله‌زن، یلمه‌ای، جرکانی، بلو،

فیلی، قره‌غانی، پرویزخان و هرمزخان، فرج‌الله‌خان گل‌وبلبیل، بهی، کله‌سیاه، جعفر بیگلر، موصلو، آرد‌کپان، بهلولی، توللی، ولی‌بیگ، بیات، نجفی‌ها، خورشیدی، چگینی، عبدالرحمانی، گرایسی، عُجه بیگلر، کهواده، عیناقلو، سارویی، راشکی، شهبازی، زرگر، چهار بنیچه، اهل‌طرب، فیوج، مالیات و متوجهات دیوانی، صورت‌املاک، خوانین‌بوانات، جنگ ایران و انگلیس، پاره‌ای اطلاعات تاریخی، عمارت باغ‌ارم، شجره‌نامه خوانین بختیاری، بناها و عمارات، مدت زندگانی و تاریخ وفات خوانین

تصاویر ..... ۶۶۵

نمایه ..... ۶۹۷





## پیش‌گفتار

خاطرات میرزا نصرالله خان قهرمانی ملقب به معین دفتر، تا بدین‌جا و تا شناسایی احتمالی دیگر منابع مشابه مهم‌ترین گزارش بر جای مانده از تاریخ معاصر ایل قشقایی است؛ تاریخی به هم تنیده در تاریخ پُر فراز و نشیب ایران‌زمین و پیوسته با حیات ملی ایران. و در این مورد بخصوص، درهم‌تنیدگی با تاریخ معاصر فارس از دوره مقارن با انقلاب مشروطیت تا فروپاشی سلطنت قاجار و شکل‌گیری نظام پهلوی.

ایل قشقایی به دلیل قدرت و اهمیت سیاسی‌اش در تمامی حوادث آن دوره؛ نهضت مشروطه و استقرار نظام سیاسی حاصل از آن، حوادث جنگ اول جهانی و بالاخره تحولات منجر به سقوط قاجاریه و برآمدن دولت رضاشاهی نقش مهمی داشته است؛ نقشی که تاکنون بیشتر از یک منظر بیرونی یعنی از ورای گزارش‌های بر جای مانده از منابع دولتی، نمایندگان قدرت‌های خارجی، گزارش وقایع‌نگاران شهری و دیگر مآخذ مشابه به تصویر درآمده است. حال آن‌که حوادث و تحولاتی از آن دست از یک منظر دیگر یعنی یک نگاه درونی نیز می‌تواند روایت شود و آثاری چون خاطرات معین دفتر قهرمانی یکی از نمونه‌های ارزشمند آن است.

میرزا نصرالله خان قهرمانی، معین دفتر به گونه‌ای که خود در بخش «اریاب قلم و انشاء» همین کتاب به اختصار در شرح حال خود خاطرنشان کرده است «... در سنه ۱۳۱۶ هجری قمری در دستگاه مرحمت پناه عبدالله خان ضرغام‌الدوله به شغل انشاء وارد خدمت شده، بعد در دستگاه مرحمت‌پناه اسمعیل خان سردار عشایر ایلخانی به

شغل مباشرت قشقای و سایر امور ملک و غیره مفتخر و مورد توجه...» بوده است<sup>۱</sup> و از این رو در موقعیتی قرار داشته است که بتواند با توجه به تجارب و خاطرات دست اول خود از تحولات دوران حکمروایی ضرغام‌الدوله و صولت‌الدوله در یک دوره کم‌وبیش بیست ساله و همچنین یک دوره بعدی با اندکی فاصله، یک چنین گزارش دست اولی ارائه کند.

این گزارش که به درخواست شادروان ملک منصور خان قشقای در پی مراجعت ایشان از اروپا در سال ۱۳۲۳، از معین دفتر برای نوشتن شرحی از «اوضاع و احوال قشقای... تاریخی از حالات قشقای و فامیل خودمان...» شکل گرفت<sup>۲</sup> و به تدریج طی چند سال، صورتی نهایی یافت، در دو بخش تدوین شده است؛ یکی خاطرات شخص معین دفتر از دوران مورد بحث که دفتر اول این مجموعه را تشکیل می‌دهد و دیگری دفتر دوم که در آن ایلات و طوایف قشقای معرفی شده‌اند. در تدوین این بخش علاوه بر دانش و اطلاع شخصی صاحب خاطرات در پاره‌ای از موارد از سران طوایف و ایلات مورد بحث نیز پرس‌وجو شده است. در این دفتر دوم در باب مجموعه‌ای از دیگر مضامین ذی‌ربط نیز مانند صورت املاک قشقای و ساختمان‌های احداث شده توسط خوانین قشقای و غیره اطلاعاتی ارائه شده است که ملاحظه خواهد شد.

نوع نگاه و سبک نگارش میرزا نصرالله‌خان قهرمانی را می‌توان منشیانه توصیف کرد و متأثر از آثاری چون *ناسخ‌التواریخ سپهر و فارسنامه ناصری* که خود در آغاز تاریخچه‌اش و به کزات بدان‌ها ارجاع داده است. با آن که این روایت اصولاً بر خاطرات معین دفتر استوار است اما در نحوه ثبت و بیان آن پاره‌ای از جنبه‌های رسمی و ملاحظاتی ناظر بر مآخذ و منابع پیش‌گفته نوعی تعارف و تکلف نیز دیده می‌شود که در خلال آن سختی و خشونت حاکم بر مناسبات قدرت، چه در عرصه رقابت‌های درون ایلی و چه در زمینه رویارویی‌های بیرونی در برابر دیگر ایلات یا حوزه‌های غیر ایلی، نمود چندانی پیدا نمی‌کند.

از سوی دیگر زمان نگارش خاطرات در ادوار پایانی دهه ۱۳۲۰ نیز بر نوع نگاه کم‌وبیش نوستالژیک معین دفتر نسبت به سرگذشت ایل قشقای بی‌تأثیر نیست؛ قشقای نیز مانند بسیاری از دیگر ایلات و عشایر دوران ذلت‌بار حکومت نظامی و اسکان

اجباری پهلوی اول را پشت سر گذاشته بود و حتی می‌توان گفت که در این دوره تا حدودی نیز روال سابق ایلی را احیاء کرده بود؛ خاطرات معین دفتر در یک چنین برهه بی‌بدیلی از لحاظ ثبات و اقتدار نوشته شد که با توجه به تحولات پیشین و آتی قشقایی، مقطع زودگذری بیش نبود.

در بهره‌برداری از خاطرات معین دفتر - مانند بسیاری از دیگر منابع مشابه تاریخی - مجموعه نکاتی را باید در نظر داشت؛ یکی از این نکات احتمال پس و پیش شدن ترتیب زمانی بعضی از وقایع است. برای مثال در بخشی از این خاطرات در اشاره به حوادث دوره ریاست حسین قلی‌خان نظام‌السلطنه، به ائتلافی اشاره شده است که میان صولت‌الدوله، شیخ خزعل و والی پشتکوه بر ضد اقتدار فزاینده بختیاری‌ها شکل گرفت، حال آن‌که این ماجرا به دوره ایالت رضاقلی‌خان نظام‌السلطنه در سال‌های بعد از انقلاب مشروطه مربوط می‌شود و نه دوره ریاست حسین‌قلی‌خان.

به همچنین در اشاره به تحولات مراحل پایانی سلطنت احمدشاه و برآمدن رضاخان سردار سپه، که در آن نخست از بحث تغییر سلطنت صحبت می‌شود و آنگاه استقبال از احمدشاه در بازگشت از سفر اروپا حال آن‌که موضوع نخست به پاییز سال ۱۳۰۴ مربوط است و موضوع دوم به پاییز سال ۱۳۰۱.

فهرست ارائه شده از والیان فارس در این دوره و یا اطلاعات مربوط به تاریخ ورود و خروج آن‌ها از فارس نادقیق است.<sup>۱</sup> در مواردی چند نیز مطالب تکرار شده است.

نکته دیگری که باید در نظر داشت استفاده معین دفتر از اصطلاحات ایلی است مانند *آملک* به معنای بره شیرخوار؛ *فَرَج*، جوجه کبک؛ *کاوه*، بزغاله؛ *کُچه*، کمین‌گاهی سنگچین برای شکار؛ *گهره*، بره؛ *گلاح* یا *گلاه*، رمه اشتر؛ *گوشتی*، گوسفند؛ *سوجر* در اشاره به *سولجر* انگلیسی. و همچنین استفاده گاه به گاه از اصطلاحات روز در اشاره به وقایع گذشته مانند اصطلاح *استاندار* به جای *والی* یا *واژه «چک»* در بخشی از متن.

خاطرات معین دفتر به گونه‌ای که از تصاویر نمونه‌هایی چند از اصل دستنویس که در انتهی پیوست شده‌اند برمی‌آید به خطی خوش و خوانا بر اوراقی نوشته شده‌اند به قطع وزیری حدود ۴۶۰ صفحه که بعد از اتمام کار صحافی شده‌اند. شماره‌گذاری صفحات در مقاطعی چند دقیق و مرتب نیست و در قسمت‌هایی نیز از چند سطر تا چند صفحه،

جای خالی‌ای منظور شده که شاید در مراحل بعد تکمیل شود که نشده است.

همان‌گونه که اشاره شد خط دستنویس خوش و خوانا اما فوق‌العاده ریز و فشرده است که در مواردی چند بازخوانی متن را با دشواری‌هایی و احتمالاً اشتباهاتی مخصوصاً از لحاظ ثبت صحیح پاره‌ای از اسامی تیره‌ها و جای‌ها روبرو کرده است که امیدوارم با راهنمایی مطلعین و صاحب‌نظران محلی در چاپ‌های بعدی برطرف گردند.<sup>۱</sup> در فراهم‌آوری موجبات انتشار این متن، جز در چند مورد که کلماتی چند می‌توانست موهن و زننده تلقی گردد و خوانده نشد، تأکید اصلی بر نقل دقیق نوشته شادروان معین دفتر قهرمانی بوده است.

تقسیم و تنظیم متن به صورت دو کتاب علی‌حده و سرفصل‌های چهارگانه بخش اول و سرفصل بخش دوم، پیشنهاد نگارنده است ولی عناوین فرعی، همان عناوینی است که معین دفتر خود در هر بخش ثبت کرده است.

به پاس یادآوری اهتمام ملک منصورخان در سفارش کار و همچنین همت ایشان در نگهداری از این دفترچه به‌رغم تمامی فراز و نشیب‌های زمانه که دودمان‌ها بر باد داد، مناسب دانسته شد خاطرات معین دفتر نیز در چارچوب مجموعه‌ای که تحت عنوان «خاطرات و اسناد ملک منصورخان قشقایی» تعریف شده است، جای گیرد؛ مجموعه‌ای که در چارچوب همراهی و پشتیبانی نشر نامک، خاطرات خود ایشان مجلد نخست آن را تشکیل داد و امید است با نهایی شدن اقدامات جاری در تدوین مجموعه‌ای از اسناد و خاطرات ذی‌ربط، مجلدات بعدی این مجموعه نیز در دسترس پژوهشگران قرار گیرد.

در پایان لازم می‌داند از همراهی دوستان گرامی، آقایان اسمعیل شاه‌محمدی و منصور نصیری طیبی در استنساخ اولیه این متن و راهنمایی‌های آقایان بابک زیلاب‌پور و داریوش معصومی در مواردی چند تشکر کنم، هر چند مسئولیت تمام کاستی‌های احتمالی بر عهده نگارنده است.

کاوه بیات

۱. این مقوله به‌ویژه در مورد اسامی بخش «مالیات و متوجهات دیوانی» (صص ۶۲۹-۶۱۴) صدق می‌کند که به دلیل سیاق بودن سند و کمرنگی نوشته، دشواری‌های آن بسیار است.

## به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

### [مقدمه]

در سنهٔ ۱۳۲۳ که آقایان ملک منصورخان و محمد حسین خان در اثر جدیت و فعالیت خستگی‌ناپذیر دوره‌های تحصیلات عالی را به پایان رسانیده و به اخذ گواهی‌نامه موفق گردیده مراجعت فرمودند، روز ورود آن‌ها به فیروزآباد از روزهای تاریخی به‌شمار می‌آید. از ورود آن‌ها روح جدید به قالب مادرِ هجران کشیده و مهربان و برادرانِ بزرگوار و فامیل جلیل و عموم رؤسا و افراد اهالی ایل و بلوک قشقائی دمیده جمعیت انبوهی از هر طبقه در جلگهٔ وسیع فیروزآباد [گرد آمدند] که خاطره‌های شیرین از دوران سلاطین با عظمتِ عجم از در و دیوار و سقف و جدار در کتیبه‌های کوه و کمر نهفته و منقوش است و بنای آتشکده که به فرمان اردشیر بابکان، سلطان با عظمت ایران برای ستایش یزدان پاک به پیروی از آئین نازنین شت زرتشت پیغمبر پاک ایران برپا داشته و سالیان دراز کعبهٔ آمال و پرستشگاه ایرانیان پاک‌نژاد که کیش و آئین آن‌ها کردار نیک، گفتار نیک [و] پندار نیک است فرق عبودیت به آستانهٔ آن سوده هزاران سال از عمر بنای آن گذشته هنوز هم طاق گچ و سنگ آن برجا و محکم و استوار است بار دیگر از تشریف‌فرمائی آن دو بزرگوار عظمت خود را تجدید نمود.

خوانین و رؤسا و کلاتران و افراد اهالی ایل و بلوک و نوکرانِ باوفای رشید طوری حاضر و اجتماع نموده بودند که در این دشت وسیع فیروزآباد جای سوزن‌انداز نبود،

مردم هر کدام به نوعی اظهار مسرت و شادی می نمودند. نوکر باب در سواری و تیراندازی، سازنده‌ها در نواختن نقاره و گُرنا و زن‌های عمله با دستمال‌بازی استقبال شایان نموده، با کمال شادی و شغف و احساسات بی‌مانندی جشن مفصلی برپا نمودند. در کلیه دهات بلوک خواجه‌ای و فیروزآباد و طرفین رودخانه تنگ آب طاق‌های نصرت که علامت میمنت و شادی و شگون است برپا داشته و پیکر طاق‌های نصرت را با پارچه‌های الوان اعلا زینت داده، صدای ساز و نقاره، نعره تیر و تفنگ را به گوش فلک دوار رسانیده، جماعت زیاد از تُرک و تاجیک و مرد و زن از خورد و کلان برای عرض شادباش و تهنیت ورود در اطراف چادری که برای خوانین برپا داشته بودند اجتماع نموده، هریک سبقت در پابوسی و دست‌بوسی تلاش و تقلا کرده به همدیگر فشار می دادند. اینجانب نصرالله قهرمانی با اینکه بیش از سایرین تشنه ملاقات آن‌ها بودم از بیم اینکه از فشار جمعیت در زحمت نباشم در حال عادی در جوار آقای محمد ناصرخان ایستاده و منتظر موقع و فرصت بودم. موقعی که آقای ملک منصورخان به آقای محمد ناصرخان نزدیک شده همدیگر را در آغوش پر از مهر و محبت گرفته و با کمال الفت معانقه نمودند چون از کثرت جمعیت توجه به اشخاص مخصوص بود آقای محمد ناصرخان اینجانب را به اشاره دست معرفی کرده موفق به دست‌بوسی شدم. صورتم را بوسیده فوق‌العاده مورد مرحمت شده، فرمودند، خیلی میل داشتم وقتی که به فارس آمدم شما را زنده ببینم چون از اوضاع و احوال قشقای اطلاع، تاریخی از حالات قشقای و فامیل خودمان بنویسید. بنده هم حاضر بودن خودم را برای انجام این منظور عرض و تقدیم نمودم. بعد از آن هم هر وقت شرفیاب می شدم در این موضوع یادآوری می فرمودند و از این حسن نظری که اظهار می فرمایند بسیار مفتخرم و اطاعت امر معظمه را از فریض می دانم زیرا بهترین علمی که انسان را تحصیل آن بر سایر کاینات مزیت و برتری داده علم تاریخ است که نماینده اخلاق و آداب گذشتگان و گشاینده ابواب به روحیه آیندگان. هر قومی که از آداب و رسوم گذشتگان بی اطلاع باشد همیشه در ظلمت نابینایی و توحش و جهل گرفتار و از نمایش حقیقت محروم و محکوم به نیستی و زوال است.

اکنون که حضرت اشرف آقای ملک منصورخان بر این موضوع مهم عطف توجه فرموده با سوابق ممتدی که اینجانب نصرالله قهرمانی سالیان دراز در دوران با عظمت مرحمت پناه اسماعیل خان صولت‌الدوله سردار عشایر ایلخانی ایل جلیل قشقای افتخار

نویسندگی و مباشرت در ایل قشقایی داشته‌ام و این دوران تاریخی با فراز و نشیب و عظمت و فیروزی [یک]<sup>۱</sup> و حوادث فراموش‌نشدنی در حافظه من و در بعضی از قسمت‌های آن هم خود آقای ملک منصورخان با عشق و علاقه مخصوص که در مطالعه و ضبط تاریخ داشته و دارند مدتی اوقات شریف خود را صرف مطالعه و ملاحظه تاریخ فرموده و مخصوصاً از قسمت‌هایی که مربوط به حالات ایل قشقایی و فامیل خودشان بوده با نظر دقت مراجعه کرده و در ذهن روشن و حافظه خود برای این منظور ودیعه و ذخیره نموده، هر کدام به نظرش عاری از حقیقت بوده حذف و به دست فراموشی و نسیان سپرده و هر کدام خالی از اغراق و افسانه است در اینجا نگاشته می‌شود و به خوانندگان گرامی اطمینان می‌دهیم که مندرجات آن از هرگونه اغراق و افسانه منزّه و مبری است. فقط برای اینکه مطالب آن خیلی خسته‌کننده نباشد گاهی بعضی مضمون‌های تفریحی نوشته می‌شود.

بدیهی است تاریخ حالات قشقایی قابل کمال اهمیت است. بعد از اینکه طبع و تنظیم شد عموم آقایان شهری و ایلی و بلوکی با کمال شور و شغف و اشتیاق کامل برای مطالعه آن اقدام و اقبال می‌کنند و از موقعی که آقای ملک منصورخان انجام این خدمت را به عهده این بنده محول فرموده برای صحت مندرجات آن از هرگونه اقدام فروگذار نکرده، آنچه را که خودم وارد بوده‌ام و مشاهدات خودم می‌باشد بدون کم‌وزیاد نوشته‌ام. آنچه را که خودم وارد نبوده‌ام، از مطلعین تحقیق کرده و ناقل قول را در صفحه مربوطه معرفی نموده‌ام. *فارسنامه* ناصری تألیف حاج میرزا حسن فسایی را مطالعه کرده، به *ناسخ‌التواریخ* سپهر مراجعه نموده، *چهل بزم میرزا محمد شفیع* را که مربوط به حالات مرحوم محمد علی خان ایلخانی است با کمال دقت از نظر گذرانیده، هر قسمت از آن‌ها مربوط به حالات ایل قشقایی و فامیل خوانین است در مقام مربوطه نوشته‌ام. اطلاعات خود آقای ملک منصورخان هم بهترین و مؤثرترین کمکی است که تاریخ را تصحیح کرده و زینت می‌دهد. آقای زکی خان فرهنگ دره شوری که فکرش روشن و بیشتر به ادبیات سروکار دارد به بنده فرمودند برای به دست آوردن تاریخ قشقایی و حالات خوانین عظام از کتاب تاریخ *روضه‌الجنان*<sup>۲</sup> و تاریخ سرجان ملکم استفاده کنید. برای تهیه کتاب

۱. شماره صفحه متن اصلی دستنویس در پایان هر صفحه متن بدین صورت - در داخل کرونه - ثبت خواهد شد.

۲. احتمالاً منظور کتاب *روضات الجنان* از کتب مورد ارجاع *فارسنامه* ناصری حاج میرزا حسن حسینی فسایی است (به کوشش دکتر منصور رستگار فسایی، تهران: امیرکبیر، ج ۲، ۱۳۸۸) است (همان، ص ۴۵).



روضه‌العجان به تمام کتابخانه‌های شیراز مراجعه کردم، به دست نیامد. یک جلد تاریخ سرجان ملکم به دست آورده در مبلغ چهل تومان خریدم. مطلبی که قابل استفاده تاریخی باشد در تاریخ سرجان ملکم نیست. فقط مختصری از عرف و عادت ایل قشقایی نوشته است. مردان قشقایی به شکارزدن علاقه زیاد دارند، کلیه کارهای آن‌ها را زن‌ها اداره می‌کنند، به کشیدن قلیان علاقه زیاد دارند. ما هم چون تاریخ را از دوره مرحوم جانی‌خان جد اعلای خوانین شروع می‌نماییم تحصیل اطلاع کامل نموده‌ایم. اقداماتی هم که خوانین قشقایی در جنگ بوشهر و نیزک با انگلیسی‌ها کرده‌اند از *ناسخ‌التواریخ* استخراج کرده و نوشته‌ایم. اختلاف در اصل و نسب ایل قشقایی بود آن‌هم به واسطه تحقیقات عمیق که مرحوم مشیرالدوله پیرنیا در تصحیح تواریخ کل نژادهای ایران نموده روشن و رفع نموده‌ایم.

بعضی از مورخین ایل قشقایی [را] از مغول‌های دوره چنگیزخان محسوب داشته و فامیل خوانین را از نژاد و نبیره خود چنگیزخان می‌دانستند. اخیراً در تاریخی که مشیرالدوله پیرنیا نوشته و هنوز به چاپ نرسیده می‌نویسد ایل قشقایی از ایلات قفقاز است که هنوز هم قریب بیست هزار خانوار در دربند قفقاز به نام کشکائی موجود و ساکن می‌باشند و در یک قسمت از کوه و کمر دربند به لفظ ترکی حجاری شده، ترجمه عبارت ترکی به زبان فارسی این است: در اینجا می‌نشستند ایلات کشکائی.<sup>۱</sup> چیزی که به تحقیق رسیده [دو] قشقایی و خلیج و آق‌قویونلو و قره‌قویونلو از ایلات قفقاز هستند که از آنجا مهاجرت کرده و به اردبیل آمده از ابتدا دارای اهمیت و اعتبار بوده‌اند. اوزون حسن آق‌قویونلو که در شیروان و آذربایجان تشکیل سلطنت داده بعداً جهان‌شاه و سلطان ابوسعید بهادر که از نژاد و نبیره چنگیزخان بودند از میان برداشته و سلطان بالاستقلال ایران شد، خواهر خود را به سلطان حیدر پدر شاه اسماعیل صفوی داده و سلطنت از فامیل اوزون حسن به سلاطین صفوی منتقل شد. در تاریخی که مشیرالدوله پیرنیا نوشته اولاد خوانین را از نسل و نژاد اوزون حسن آق‌قویونلو معرفی کرده و می‌نویسد قشقایی و خلیج و آق‌قویونلو و قره‌قویونلو در زمان شاه عباس یا شاه طهماسب از اردبیل به طرف اصفهان و فارس مهاجرت کرده یک قسمت عمده از خلیج‌ها در خلیجستان اطراف قم ساکن و تخته‌قاپو شده، ده‌هایی که به نام‌های مختلف مشهور بودند تغییر اسم داده

۱. احتمالاً از گفته‌های مرحوم ملک منصورخان به نویسنده.

خلجستان معروف شدند. بقیه ایلات نامبرده از آنجا گذشته به گندمان چهارمحال بختیاری و ونک، سرحد شش ناحیه و بلوک وردشت شش ناحیه فارس آمده مدتی در آنجا توقف کرده بعداً به بلوک قنقری بوانات آمده مدتی هم در آنجا ساکن بوده، جد خوانین بوانات با اسماعیل خان پدر جانی خان بنی اعمام می‌باشند. بعد از این‌که دوازده سال در بوانات روز گذرانیده‌اند جد خوانین بوانات املاک و علاقه‌جات زیاد از بلوک قنقری و بوانات خریداری کرده و قسمت دیگری از ایل خلج را در همان‌جا تخته‌قاپو کرده، تشویق به امور کشاورزی نموده سال‌ها است با کمال عزت و عظمت و اقتدار، با شرافت در بلوک قنقری و بوانات زندگانی می‌نمایند و فامیل آن‌ها یکی از فامیل بزرگ فارس محسوب است. در دوره استانداری شاهزاده حسینعلی میرزای فرمانفرما هم در پیش آمده‌ای خوب و بد، عزت و ذلت خوانین قشقایی و بوانات شریک و سهیم بوده‌اند. چون طایفه خلج که در تحت ریاست خوانین بوانات بوده و در آنجا ساکن شده‌اند خوانین آن‌ها هم خلج معروف شده‌اند (در موضوع مأموریت آقاباباخان مازندرانی که از طرف حسینعلی میرزای فرمانفرما برای قلع و قمع مرتضی قلی‌خان ایل‌بیگی به طرف قلعه پیرگان حرکت می‌کرد فرمانفرما از ترس اینکه در آن موقع از طرف ایلخانی محمدعلی خان و میرزا قاسم خان خلج اقداماتی بر علیه دولت بشود بعد از اینکه آقاباباخان را مأمور و روانه نمود این دو نفر را در شیراز بازداشت کرد. عین عبارتی که در نسخ‌التواریخ نوشته است برای اطلاع خوانندگان گرامی می‌نویسیم که بدانند در این موقع و سایر مواقع خوانین قشقایی و بوانات در امور مهم شریک و وجود خوانین بوانات قابل اعتنا و اهمیت بوده که فرمانفرما با قدرت و نفوذی که داشته است از میرزا قاسم خان بیمناک بوده است و مضمون عبارت که در نسخ‌التواریخ مرقوم است از قرار زیر است.<sup>۱</sup> شجاع‌السلطنه بعد از ورود به اصفهان فرزند خود آقاباباخان را نزد برادر گسیل داشت و پیام پادشاه را نگذاشت. لاجرم فرمانفرما با آقاباباخان مازندرانی سردار فارس را مأمور به اراضی فیروزآباد ساخت و فرمود مرتضی قلیخان [را] به هر نحو توانی دستگیر کن و بسته نزد ما بفرست و خود در شیراز محمد علی خان ایلخانی و میرزا قاسم خان خلج داماد او را گرفته در شیراز بازداشت نمود. فرزند خود امامقلی میرزا را به

۱. ظاهراً به بخش ذیل از فارسنامه ناصری حاج میرزا حسن حسینی فسایی (به تصحیح دکتر منصور رستگار فسایی، تهران: امیرکبیر، ۲، ج، ۱۳۸۸)، ص ۷۵۶ اشاره دارد.

خانه میرزا علی اکبر قوام‌الملک فرستاده او را به اتفاق پسرش میرزا محمدخان کلاتر را گرفته مغلولاً به درگاه آورد و برحسب امر ایشان را در زندانخانه با ایلخانی و میرزا قاسم‌خان خلج دامادش محبوس داشتند.[سه]<sup>۱</sup>

ضمن تاریخ حالات خوانین قشقایی و بوانات که خلج معروف شده‌اند یک جمله راجع به دستوراتی که در موقع مأموریت آقاباباخان در موقع قلع و قمع مرتضی قلی‌خان ایل‌بیگی از طرف حسینعلی میرزای فرمانفرما صادر شده چون در آن موقع ضمن دستوری که مقرر شده ایلخانی محمد علی‌خان و میرزا قاسم‌خان خلج و میرزا علی‌اکبرخان قوام‌الملک شیرازی و میرزا محمدخان پسر قوام‌الملک که کلاتر شیراز بوده گرفته و زندانی کرده‌اند در اینجا از موضوع تاریخی که در دست داریم خارج است لیکن چون کاملاً اتحاد و اتفاق و قدرت و نفوذ رجال مهم فارس را می‌رساند برای اطلاع تاریخی خالی از نتیجه نیست. حالا برمی‌گردیم به اصل موضوع. در آنجا گفتیم اصل و نسب خوانین قشقایی و بوانات یکی است. خوانین بوانات املاک و علاقه‌جاتی در همان‌جا خریده تخته‌قاپو شده و به اسم خلج معروف شده‌اند. اما قشقایی و قسمت قلیلی از ایل خلج به ریاست مرحوم اسماعیل‌خان پدر جانی‌خان در حال ایلیت باقی مانده قشلاق آن‌ها اوایل هنگام و دهرم و سایر دهات اربعه بوده، ییلاق آن‌ها سرحد سمیرم و شش ناحیه سمیرم و اخیراً به قشلاق و ییلاق خیلی وسعت دادند. اینک تاریخ را از دوره مرحوم جانی‌خان که اطلاع کامل داریم شروع می‌نماییم.